

بررسی میزان تأثیر فعالیت های پلیس مکان محور در پیشگیری از وقوع

جرم

دانشگاه آزاد واحد تاکستان

وحید نوروستا

چکیده

مشارکت شهروندان در تامین امنیت محله ها و پیشگیری از جرم علاوه بر کاهش هزینه های دولت، سبب تعامل بیشتر شهروندان با پلیس محله محور خواهد بود. موضوعات حیاتی پیش روی پلیس همراه با ضرورت تحول در اصول کلی و شیوه خدمت (پلیس محله محور)، تحول در ابزار و وسائل انجام وظیفه (فناوری) و تغییر در انتظارات جامعه از عملکرد پلیس (ضرورت حرفه ای شدن و پاسخگو بودن)، معیارهای جدیدی را برای تحلیل، برنامه ریزی و تصمیم سازی پلیس دیکته می کند. همراه با تغییرات جوامع، سازمان های متولی نظم و امنیت نیز در طی قرون و از زمان تکوین اولیه این سازمان ها، در فلسفه، هدف، راهبرد، تاکتیک و ساختار دچار تحول و تغییرات اساسی شده اند. این مساله در نیروی پلیس به جهت داشتن بیشترین تعامل با مردم و سایر نهادهای اجتماعی از اهمیت بیشتری برخوردار است. در مقاله حاضر در صدد آن هستیم که با روش توصیفی- تحلیلی به بررسی نقش پلیس محله محور در پیشگیری از جرم بپردازیم.

واژگان کلیدی: پلیس، فعالیت، پیشگیری، جرم، وقوع

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC,SID, Noormags,
Magiran, Ensani,
GoogleScholar
www.jaml.ir

Year 2025 ,Sixth year ,Issue 23

Pages 1-26

Investigating the effectiveness of location-based police activities in crime prevention

Vahid Norousta

Azad University, Takestan Branch

Abstract

Citizen participation in ensuring neighborhood security and crime prevention will not only reduce government costs, but will also lead to greater citizen interaction with neighborhood-based police. The critical issues facing the police, along with the need for changes in the general principles and methods of service (neighborhood-based police), changes in the tools and means of performing duties (technology), and changes in society's expectations of police performance (the need for professionalism and accountability), dictate new criteria for police analysis, planning, and decision-making. Along with changes in societies, organizations responsible for order and security have also undergone fundamental changes in philosophy, purpose, strategy, tactics, and structure over the centuries and since the initial development of these organizations. This issue is more important in the police force due to its greatest interaction with the public and other social institutions. In this article, we aim to examine the role of neighborhood-based police in crime prevention using a descriptive-analytical method.

Keywords: Police, activity, prevention, crime, occurrence

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

مقدمه

همان طور که وقوع جرم از قدیم الایام و اجتماعی شدن زندگی افراد وجود داشته در کنار آن پیشگیری از جرم نیز برای کاهش جرائم احتمالی پدیدار گشته است. امنیت ملی و نظم عمومی بستر آرامش جامعه و فعالیت های اجتماعی انسان است. دولت ها به منظور برقراری امنیت اجتماعی و نگرهبانی از نظم عمومی توسط نهاد پلیس اقدام به پیشگیری از وقوع جرائم می نمایند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم مأموریت پاسداری از تمامیت ارضی کشور و نگرهبانی از انقلاب اسلامی ایران و دستاوردهای آن را بر عهده ی سازمان پلیس نهاده است. پلیس به عنوان متولی اصلی نظم و امنیت در جامعه و عمل به وظیفه خطیر خود یعنی پیشگیری از وقوع جرم به عنوان بازوی اجرایی جامعه خواستار هر چه بیشتر امنیت و آرامش در اجتماع است که نتیجه آن حفظ ارزش های ملی و دینی و صیانت از فرهنگ اسلامی است. مقوله ی مجرمیت امروزه در کنار دیگر معضلات اجتماعی به یکی از منابع ظهور و گسترش احساس ناامنی در میان مردم تبدیل شده است. که تشدید این رفتارها منجر به اقدام های پلیس در جهت مبارزه با آسیب های اجتماعی و کاهش احساس ناامنی موجود می باشد.

۱- مفهوم امنیت

موضوع و مفهوم امنیت، یکی از مفاهیم مهم و جدید در دنیای مدرن و در بسیاری از مباحث سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که هر یک از حوزه های علوم اجتماعی از منظری خاص و با زوایایی متفاوتی به این مقوله پرداخته اند. از چند دهه اخیر، تغییراتی اساسی در شرایط اجتماعی زندگی بشر و نظام اجتماعی رخ داده است و اندیشمندان حقوقی اصطلاحات

متفاوتی را برای توصیف این تغییرات به کار برده اند. افزون بر آن، به دلیل افزایش جرایم در جامعه نقش پلیس در کاهش جرائم پررنگ تر شده و با تعیین نهادهایی برای جذب مشارکت ارگان های دولتی و غیردولتی با هدف پیشگیری از جرم و همچنین عضویت ایران در کمیته های حقوق بشر سازمان ملل، پلیس از حالت واکنشی به کنشی و جامعه محور گرایش پیدا کرده است. به همین سان، یکی از گونه های اصلی تغییر جهت در راهبرد عدالت جنایی، عدالت ترمیمی است که با رویکرد جدید به پدیده بزهکاری و پاسخ دهی به آن می نگرند، عدالت ترمیمی می تواند به عنوان چتر مفهومی در نظر گرفته شود که اصول مختلف در آن جای می گیرد و در پی آن، مفاهیم مختلف و زمینه های مشترک یکدیگر را باز می جویند.

پلیس جامعه محور، الگوی جدید پلیسی است که در آن امنیت با مشارکت مردم صورت می پذیرد. اهداف اصلی آن، کاهش جرم و ارتقای احساس امنیت در جامعه است؛ از این رو، مشارکت آحاد جامعه و شهروندان و ارائه ی راه حل های ابتکاری برای حل مشکلات و معضلات اجتماعی از جمله شاخص های این رویکرد است. همچنین، دیدگاه جامعه محوری پلیس بر این عقیده است که نظام سلسله مراتبی که در آن دستورات از بالا به پایین دیکته می شود و برخورد واکنشی و سرکوبگرانه با جرم، نتیجه ی چندانی به بار نمی آورد؛ بلکه اکنون وقت آن است که پلیس، به نحو محلی کار کند و بیشتر در امر پیشگیری از جرم سرمایه گذاری نماید؛ چراکه هر محله از موقعیت خاصی نسبت به محله های دیگر برخوردار است و نحوه مبارزه با جرم در هر محله با محله ی دیگر متفاوت است؛ به دیگر سخن، ایجاد پلیس محلی این امکان را به وجود می آورد که از ظرفیت های موجود در محله و همکاری و مشارکت شهروندان برای پیشگیری از جرم

استفاده شود و رابطه پلیس و مردم مستحکم‌تر شده و اعتماد و صمیمیت بیشتری میان آن‌ها به وجود بیاید.

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ جلوه‌ها و مؤلفه‌های عدالت ترمیمی از جمله میانجیگری و اقدامات سازشی میان طرفین دعوی را مورد توجه قرار داده؛ به گونه‌ای که ماده ۱ این قانون، قواعد و مقررات حاکم بر میانجیگری و صلح میان طرفین را بخشی از تعریف و از عناصر آیین دادرسی کیفری دانسته است. پلیس (نیروی انتظامی)، ضابط عام دادگستری، از کنشگران اصلی برابر پدیده مجرمانه و نهاد اصلی شناسایی و بررسی جرم، در مقایسه با سایر نهادها ارتباط نزدیک‌تری با بزه‌دیدگان دارد؛ از این جهت و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های سازمانی و فرصت‌هایی که ناشی از جایگاه و نقش برجسته آن در مبارزه با پدیده مجرمانه است، می‌تواند نقش مهمی در اجرای برنامه‌های ترمیمی ایفاء کند. (گسن، ۱۳۷۰، ۳۶۹)

در مقابل، حضور یک نهاد رسمی که از سیاست‌های حاکمیتی دولت‌ها متأثر می‌گردد، آسیب‌هایی را در اجرای الگوی ترمیمی به دنبال خواهد داشت؛ به عبارت دیگر تناقضی که مطرح می‌شود از فلسفه وجودی پلیس به عنوان یک نهاد متولی ایجاد نظم و امنیت، با برنامه‌های ترمیمی که اقدامی در راستای به حداقل رساندن مداخله کیفری و اطاله دادرسی و در واقع کاهش چتر کنترلی حاکمیت بر فرایند دادرسی‌ها است، ناشی می‌شود. رفع این آسیب‌ها مستلزم تحول در ساختار پلیس سنتی به سوی پلیس جامعه محور و تغییر مأموریت آن از مجری صرف سیاست کیفری بودن، به سوی انجام سیاست‌های جنایی مشارکت مدار است.

۲- سیاست جنایی و ارتباط آن با ایفاء نقش پیش گیرانه پلیس

در حقیقت پیشگیری از وقوع جرم مؤثرترین و بهترین راه مبارزه با رفتار کج روانه و ناهنجاری اجتماعی است و جایگاه والا و ارزشمندی در سیاست جنایی کشورهای مختلف دارد. برخی بر این باورند که پیشگیری از جرم دربرگیرنده تدابیر و اقداماتی است که نرخ بزهکاری را کاهش دهد بدین صورت که از یک سو علل اثرگذار بر جرم را شناسایی کرده و از سوی دیگر ابتکارات مناسبی را برای مبارزه با این علل اعمال کند. سیاست جنایی یعنی سازمان بخشیدن سنجیده و مطالعه شده به مبارزه علیه بزهکاری است که قانون گذار آن را قبلاً جرم دانسته است و این مبارزه از طریق وسایل مختلف و با اهداف روشن انجام می‌گیرد. کریستن لارژ در این رابطه عقیده دارد: اگر سیاست جنایی را علم و هنر تبیین پیشگیری و سرکوب گری جرم بدانیم پیشگیری‌های معطوف به اجتماع و نهاد های آن مسلماً در زمره یک سیاست جنایی مشارکتی یعنی سیاست جنایی که مستلزم الحاق و پیوستن مردم و همکاری آنها در مراحل تدوین و اجرای هر سیاست جنایی است، خواهد بود. با توجه به اینکه پلیس نقش تأثیرگذاری در سیاست جنایی اکثر کشورهای دنیا دارد و درواقع حضور آن برای پیاده سازی اهداف سیاست جنایی انکارناپذیر است. (ابراهیمی، ۱۳۹۰، ۲۴۵)

۳- سیاست جنایی و تأثیر آن در پیشگیری از جرم

«اصطلاح سیاست جنایی برای نخستین بار در اواخر قرن هجدهم میلادی توسط آنسلم فون فویرباخ حقوقدان آلمانی به کار برده شد. تعریف وی از سیاست جنایی چنین بود: مجموعه روش های سرکوب کننده ای که دولت به وسیله آن در مقابل جرم واکنش نشان می دهد» از دید وی سیاست جنایی محدود به واکنش های سرکوب گرانه دولت در برابر

عبارت دیگر پدیده مجرمانه را برای مردم قابل تحمل کرده است و از میزان جرم کاسته یا ریشه کن می نماید. بنابراین نبود سیاست جنایی هرج و مرج در جامعه است. به طور خلاصه می توان این چنین بیان کرد، که کلیه مسائل مربوط به جرائم و مجازات ها و همچنین مسئله مهم دنیای امروز یعنی مسئله پیشگیری از جرم نیز جزء سیاست جنایی محسوب می گردد. وظیفه اصلی سیاست جنایی در یک کشور عبارت است از: کنترل بزهکاری آن کشور یعنی مهار کردن در محدوده های قابل تحمل و در صورت امکان تقلیل یک سلسله رفتارهای بسیار متنوع که شدیداً مانع پیشرفت و ترقی موزون یک جامعه می شوند یا آن جامعه را محکوم به نوعی پسروی می کند. یا حتی بقاء آن را در معرض خطر قرار می دهند. بدیهی است که محرومیت از یک سیاست جنایی سنجیده و مناسب موجب هرج و مرج و بی نظمی در جامعه می شود. سیاست جنایی پیشگیرانه را می توانیم به اختصار: سیاست ناظر بر پیشگیری از پدیده مجرمانه به نامیم. سیاست جنایی پیشگیرانه عبارت از مجموعه روش هایی است که به وسیله آنها بدنه اجتماعی نسبت به پیش بینی، شناسایی و برآورد خطر جرم و انحراف اقدام نموده و سپس تدابیر لازم را برای حذف یا کاهش آنها اعمال می کند. در پایان این بحث برای جمع بندی آن می توان گفت: که اصطلاح سیاست جنایی که از زمان ورود به عرصه حقوق کیفری تا به امروز فراز و نشیب های فراوانی داشته و به وسیله دانشمندان و حقوقدانان با توجه به اقتضای زمان خود تعاریف گوناگون شده است، تا به اکنون به معنای پیشگیری از وقوع جرم تعبیر گردیده است. میسر است که کشورها با اتخاذ تدابیر صحیح و منطقی و با همکاری سازمان های دولتی، غیردولتی بالاخص نهاد پلیس

جرم بود. در طول زمان با توجه به ظهور مکاتب مختلف حقوقی و فلسفی به تدریج این تعریف توسعه پیدا کرد به نحوی که برداشت امروزی از سیاست جنایی با برداشت فویرباخ تفاوت زیادی پیدا کرده است. در رابطه با سیاست جنایی تعاریف متعددی ارائه گردیده است، که به چند نمونه از آنها اشاره می کنیم. پیناتل: سیاست جنایی را حاصل ارتباطی می داند که از عقاید علمای دو دانش جرم شناسی و حقوق و هماهنگی وسیع بین دو دانش ناشی شده است. مارک آنسل سیاست جنایی را «واکنش سازمان یافته و سنجیده جامعه در مقابل اعمال مجرمانه یا ضد اجتماعی می داند.»

خانم کریستن لارز آن را «غور و تفحص منتقدانه و علت یابانه پیرامون پدیده مجرمانه، رمز یابی پدیده مجرمانه و وسایل به کار گرفته شده برای مبارزه علیه رفتارهای انحرافی یا مجرمانه و نیز یک راهبرد حقوقی و اجتماعی مبتنی بر مبنای برگزیده عقیدتی با هدف پاسخ دهی واقع گرایانه به مسائل و مقتضیات پیشگیری و سرکوبی پدیده مجرمانه به معنای وسیع کلمه می داند. سیاست جنایی به معنای امروزی بسیار پیچیده بوده و جنبه علمی و هنری دارد. در واقع سیاست جنایی علمی است نه جرمی. سیاست جنایی پویا است نه ایستا و جنبه قانونی و هنجاری دارد. زیرا این سیاست براساس قانون به اعمال آن می پردازند. لذا طی دو قرن گذشته از حالت سرکوب گرانه به حالت اجتماعی رسیده است. سیاست جنایی جهت مبارزه با جرم مطرح نبوده بلکه سیاست اجتماعی مبتنی بر پیشگیری از جرم و بازداشتن اشخاص از ارتکاب بزه از طریق برنامه ریزی در مورد شهرسازی و مسائل پیرامون آن مطرح است با این توصیف روشن می شود که این گرایش از حالت کیفری خارج شده و تنوع بیشتری در آن دیده می شود. امروزه سیاست جنایی در کشورها نقش کنترل بزهکاری را بر عهده دارد. به

بتوانند به این وظیفه خطیر خود یعنی پیشگیری از وقوع جرم هر چه بیشتر نزدیک شوند. (جینادی، ۱۳۸۳، ۳۶۹)

۴- ارتباط سیاست جنایی و نقش پیشگیرانه پلیس

همانطور که در بند قبل در رابطه با سیاست جنایی و همچنین تعاریفی که از سوی دانشمندان و حقوقدانان ارائه شد. در همان راستا ارتباط سیاست جنایی و نقش پیشگیرانه پلیس مورد بررسی قرار خواهد گرفت. از آنجایی که سیاست جنایی با گذر زمان و حضور مکاتب مختلف در ابتدا بیشتر به معنای واکنش سرکوب گرانه تعبیر می شده و رفته رفته به معنای امروزی آن که بیشتر جنبه پیشگیری از وقوع جرم دارد، می باشد. دیدگاه پلیس نیز همانند سیاست جنایی با گذر زمان تغییر یافته که به طور مختصر به شرح دو دیدگاه پلیسی در این رابطه می پردازیم.

الف) دیدگاه پلیس سنتی: در این دیدگاه پلیس مؤسسه ای دولتی است، که اساساً مسئول اجرای قانون است. و نقش پلیس در جامعه در حل مشکلات جرم و جنایت خلاصه می شود. موقعیت پلیس در این سیستم ها به وسیله میزان کشف و دستگیری سنجیده می شود و اولویت کار پلیس برخورد با جرائم مالی شدید یا جرائم توأم با خشونت است. پلیس واکنش فوری و مؤثر در قبال جرائم جدی نشان می دهد. در پلیس سنتی پیشگیری از جرم اغلب بر تعبیر تکنیک های اعمال قانون، مانند: تحول حقوق جزا با سیاست کیفری و شیوه های عملیاتی پلیس تمرکز داشته است. اما علی رغم تداوم این اقدامات انتظامی کماکان ناکافی به صورت روند افزایش نرخ جرائم وجود دارد. دیدگاه پلیس جامعه محور: پلیس جامعه محور نوعی الگوی پلیسی است، که به دنبال ارتقاء روابط بین پلیس و جامعه در ریشه کنی جرم و ناامنی است. نمود خارجی

پلیس جامعه محور ظهور پلیس در دسترس و مجاور است. این الگو مبتنی بر تفکر برقراری مشارکت مؤثر بین پلیس و جامعه برای تأمین امنیت و حفظ نظم و پیشگیری از وقوع جرائم است. یک نیروی پلیس قابل دسترس و نزدیک با مردم به اصول جامعه محلی معتقد است و با حضور به موقع، درصد زیادی از جرائم اجتماعی را کاهش می دهد. پلیس در نقش ضابط قضایی عهده دار امر پیشگیری انتظامی است و در چهارچوب قانون و بر اساس سیاست کیفری عمل می کند. امروزه با تغییر نگرش پلیس و گرایش بیشتر به سمت پیشگیری از جرم به روش های جدید (پیشگیری وضعی، اجتماعی) در میان عوامل اجرایی دولت بیشترین نقش را به ویژه در زمینه پیشگیری وضعی از جرم بر عهده دارد. علت این امر آن است، که پلیس در برخورد و تقابل سیستم با اعمال مجرمانه قرار دارد بدیهی است که به واسطه لمس موضوع از راهکارهای پیشگیرانه و بهتر و بیشتر از سایر مراجع مطلع باشد. طی دو دهه گذشته نیروهای پلیس تحولات اساسی را پشت سر نهاده اند. بسیاری از نیروهای پلیس تدریجاً غیرنظامی شده اند، مابقی نیروهای پلیس غیر متمرکز شده اند تا بیشتر در دسترس بوده و کارایی داشته باشند. همچنین نیروهای پلیس رویکردهای جدیدی را برای پاسخ به انتظارات عمومی و انجام تغییرات پایدار و شرایطی که جرم و ناامنی را ایجاد می کنند در پیش گرفته اند. (جینادی، ۱۳۸۳، ۱۲۵)

پلیس به عنوان نهاد پیشتاز جامعه، وسیله ایجاد انسجام اجتماعی است و می تواند اقدام به پیشگیری از جرم کند. برای پلیس نقش سه وجهی پیشگیری و اعمال قانون و برقراری نظم و انسجام جامعه لحاظ شده است و از اینجا روشن می شود، که پلیس نه تنها در بعد اجرای قانون بلکه در دو بعد دیگر هم باید نقش خود را ایفاء کند. بدین ترتیب گستره

از جمله وظایف مهم آن می توان به وظایف انتظامی، وظایف امنیتی، وظایف ضابطی، وظایف خدماتی، وظایف نظامی، وظایف اجتماعی، اشاره نمود.

۶- پیشگیری انتظامی

پیشگیری از وقوع جرائم و فروافتادن در ورطه جرم و گناه یکی از آمال و آرمان های تمام جوامع بشری است. رشد روز افزون و پیشگیری های خاص جرائم و پایین آمدن سن ارتکاب جرم از عواملی است که بر اهمیت و ضرورت توجه به پیشگیری انتظامی می افزاید.

پیشگیری انتظامی بر پایه اقدامات پلیسی در جهت حمایت از شهروندان آسیب پذیر، افزایش آگاهی عمومی و نظارت بر اماکن عمومی و افزایش هزینه های ارتکاب جرم مبتنی است. متولی اصلی این نوع پیشگیری پلیس است که بایستی رویکردی جدیدی را نسبت به وظایف سنتی خود اتخاذ کند. زیرا پیشگیری انتظامی عمدتاً مبتنی بر تدابیر و اقدامات کنشی، پیش جنایی توسط پلیس است. با توجه به آنچه بیان شد می توان پیشگیری انتظامی را اینگونه تعریف نمود: مجموعه تدابیر و اقدامات کنشی و واکنشی نیروی پلیس که با حمایت از افراد در معرض خطر، افزایش آگاهی عمومی، نظارت بر اماکن عمومی، افزایش هزینه های ارتکاب جرم و مداخله قبل از وقوع جرم و مداخله پس از وقوع، درصدد پیشگیری از ارتکاب جرم در جامعه است. امروزه کنترل و مداخله در بحران ها از سوی پلیس تنها از دیدگاه وظایف سنتی پلیس مبتنی بر کشف و سرکوب توجیه نمی شود، بلکه این امر مبتنی بر استفاده از رویکرد پیشگیری انتظامی است. درواقع پلیس مسئول برقراری نظم و امنیت در کشور است. این وظیفه به عنوان رکن اساسی فعالیت این نیرو

مداخله پلیس به مجرمین و مظنونین به ارتکاب جرم محدود نمی شود، بلکه مجموعه جمعیت و شهروندان را در بر می گیرد. همان طور که در زمینه بهداشت و سلامت نیز، اقدام پیشگیرانه فقط شامل بیماران نیست. البته این رویکرد پیشگیرانه پلیس مستلزم داشتن اطلاعات کافی است. اطلاع از تمام زوایا و جوانب موضوعات اجتماعی، از تهدیدات و خطرات احتمالی... زیرا شرط واقعی مبارزه با بزهکاری داشتن اطلاعات دقیق از گروه های اجتماعی (در خطر) که بر حسب زمان ممکن است بزه دیده یا بزهکار گردند، می باشد. با توجه به توضیحات فوق در خلاصه کلام می توان گفت: پلیس با اعمال سیاست جنایی نوینی که همگام با دنیای امروز باشد و تدابیر انتظامی و امنیتی که در راستای اهداف بلند مدت خود یعنی توسعه امنیت پایدار به کار می بندد تنها به دنبال تثبیت جایگاه خود و برقراری هرچه بیشتر نظم و امنیت در سطح جامعه است. امید است که با برقراری ارتباطی منطقی میان سیاست جنایی و نقش پیشگیرانه پلیس که هر دو در یک مسیر در حال حرکت می باشند به جامعه ای ایده آل و آرمانی که خواسته همه دولت مردان و کشورها از جمله (کشور ایران) می باشد، دست یابد.

۵- وظیفه پیشگیری از جرم پلیس در راستای توسعه امنیت پایدار

پلیس در کشورهای گوناگون وابسته به سازمان ها و وزارتخانه هایی مانند شهرداری، دادگستری و وزارت کشور است. بنابراین پلیس در تمام دنیا هم زمان با تغییر و تحولات اجتماعی، سازمان خود را متناسب با تغییرات سازماندهی می کند. امروزه تعدد و تنوع وظایف پلیس به حدی است، که هر بخش تحت نظر ارگان خاصی از نیروی انتظامی اداره می شود.

تشکل های مردمی و گروه های علاقمند به حل و فصل مسائل مربوط ناشی از بزهکاری از جمله مهار بزهکاری متناسب با محل.

در راستای رویکرد پیشگیری انتظامی و تحقق اهداف پیشگیری از وقوع جرم می توان با استفاده از مدل های جدید پیشگیری اعم از پیشگیری وضعی و پیشگیری اجتماعی به این صورت که با افزایش نیروی انتظامی، حضور به موقع در مکان های بالقوه وقوع جرم و همچنین حضور در زمان های ازدیاد جرم تا حد زیادی از تعداد جرائم احتمالی بکاهند. بر همین اساس پلیس برای رسیدن به این مهم نیاز به ابزاری دارد که هرچه زودتر به واسطه آنان به هدف خود نائل آید. بنابراین از رویکردهای جدید پلیس در زمینه پیشگیری انتظامی می توان الف: رویکرد مشارکت پذیری و شهروند مداری ب: رویکرد سرعت پذیری و دقت در مداخله ج: رویکرد تفکیک پذیری چ: رویکرد آموزشی اشاره نمود، که به طور اختصار مورد بررسی قرار خواهد گرفت. (مظلومان، ۱۳۷۴، ۱۶۹)

الف: رویکرد مشارکت پذیری و شهروندمداری

در پیشگیری انتظامی سعی بر آن است، که با به کارگیری شیوه های جلب مشارکت مردمی، در ایجاد نظم و امنیت استفاده شود و حفظ نظم و امنیت از یک پدیده رسمی و آمرانه به یک پدیده مشارکت محور تبدیل شود. و همچنین در راستای شهروندمداری پلیس سنتی با تأکید بر ایجاد امنیت در جهت تحقق یک جامعه حرکت کند. اینک ما در مقابل امنیت مداری پلیس سنتی با رویکرد پیشگیرانه مدعی حفظ حقوق شهروندی و احترام به حقوق و آزادی های فردی هستیم. از این رویکرد با تأکید بر جنبه های کنشی نهاد پلیس

محسوب می گردد. ازاین منظر می توان به برخی از وظایف نظیر جلوگیری از وقوع جرم، برقراری نظم و اجرای قانون و مقررات، حراست از برخی از اماکن و پیشگیری از هرگونه خرابکاری... اشاره کرد. عرصه اصلی فعالیت انتظامی پلیس بستر جامعه است. در این خصوص رابرت اریکسون می گوید: آن ها به هنگام گرفتار شدن مردم در مشکلات روزمره، تصادف و قرار گرفتن در معرض آسیب های جنایی به کمک مردم می شتابند. آن ها در آیین های جمعی، ملی و رخدادهای ورزشی، تظاهرات و تمرین های نظامی دیده می شوند. آنها را در سیاست های متحدالشکل در حال احترام به ارزش های اجتماعی و ملی مشاهده می کنیم. مأموران انتظامی کارگزاران صلح و نظم و یک دوست خوب هستند. وظایف پلیس در برقراری نظم و پیشگیری انتظامی را می توان در سه بند ذیل بیان نمود:

الف: افزایش حضور پلیس از طریق تأسیس ایستگاه ها یا پست ها یا گیشه های کوچک در چهار گوشه شهرها یا محله ها تعداد این دستگاهها تابعی از میزان جمعیت و ابعاد جغرافیایی هر محل است. این ایستگاه پلیس با همکاری شهروندان داوطلب، مردم را در زمینه پیشگیری از بزهکاری توجیه و از روش های مختلف آن آگاه می کند. با بزه دیدگان همدردی و آنان را از نظر قضایی راهنمایی می کنند و با کسبه ی محل، افراد و نیز نوجوانان محل تماس مستقیم برقرار می نمایند.

ب: تقویت رؤیت پذیری پلیس از طریق برقراری گشت های پیاده یا سوار یا گشت های مختلط در نقاط حساس یا محله های مختلف در کلان شهرها یا در حومه های آن ها.

ج: ایجاد کمیته های مشورتی شهروندان در ادارات پلیس یا کلانتری ها در سطح شهر یا محله با مشارکت نمایندگان

۷- هشدارها و توصیه های پلیس

در دنیای امروز اطلاع رسانی، آگاهی دادن و بالا بردن قدرت شناخت و تشخیص مردم از مهم ترین و اساسی ترین روش های دولت ها، سازمان ها، شرکت ها برای رسیدن به اهداف مختلف سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی است. تحقیقات نشان داده است، بسیاری از جرائمی که مجرمان مرتکب شده اند بر اثر عدم رعایت موازین ایمنی و یا سهل انگاری مردم و خانواده ها بوده است. عدم آگاهی مردم از قوانین و مقررات می تواند زمینه فعالیت مجرمین و بزهکاران را بیشتر کند. هشدار دادن، متذکر شدن و یادآوری نمودن پلیس و پذیرش هشدارها و عمل کردن به راهکارهای پلیس از جانب مردم همکاری و هماهنگی دوجانبه پلیس و اجتماع را بوجود می آورد. که از بهترین و مؤثرترین روش ها برای پیشگیری از وقوع جرائم است [12]. مگر نه این است که یکی از بزرگ ترین اهداف هر دولتی برقراری نظم و امنیت است، مگر نه این است که سازمان پلیس قوی ترین و اصلی ترین بازوی اجرای عدالت کیفری و نیز هدف مهم تر از برقراری نظم و امنیت در کشور ندارد، بنابراین شایسته خواهد بود اگر پلیس برای مردم برنامه های آموزشی داشته باشد. مردم را از اینکه چگونه ممکن است. «بزه دیده» واقع شوند و مجنی علیه قرار بگیرند، آگاه سازد و راه های پیشگیری از جرائمی که احتمال دارد بر علیه ایشان مورد ارتکاب قرار گیرد، آموزش دهد.

۸- موانع و محدودیت های پلیس در پیشگیری از وقوع جرائم

شعار پلیس (پلیس حافظ جان و مال و ناموس و شرافت مردم است) به استناد قانون و نیز شرح وظایف سازمانی پلیس وظیفه خطیر حفظ نظم و امنیت و آرامش مردم را بر عهده

هدفی، همچون حفظ امنیت، به تدریج به حفظ نظم تبدیل شده و حقوق شهروندی از جایگاه ویژه ای برخوردار گردیده است. در خصوص مبانی و منابع این رویکرد در نظام پلیسی ایران می توان به قانون حقوق شهروندی اشاره نمود.

ب: رویکرد سرعت پذیری و دقت در مداخله

مداخله پلیس در بحران های اجتماعی یکی از راهکارهای کاهش تلفات و هزینه هاست. اما مداخله پلیس در بحران های اجتماعی باید مبتنی بر سرعت پذیری و دقت در تصمیمات باشد. زیرا کندی نیروهای پلیس و تصمیمات نادرست آنها نه تنها باعث کاهش تلفات و هزینه ها نمی گردد، بلکه می تواند منجر به افزایش اثرات و تبعات این گونه بحران ها گردد.

ج: رویکرد تفکیک پذیری

نیروی پلیس برای تحقق اهداف پیشگیرانه باید از یک سیاست افتراقی در مورد مخاطبان خود استفاده نماید. این سیاست افتراقی که در حوزه فعالیت های پلیسی اعمال می گردد. و مبتنی بر یافته های جرم شناختی است، تحت عنوان سیاست افتراقی انتظامی مشخص می گردد. مطابق با سیاست افتراقی انتظامی تخصص های لازم برای مواجهه با کودکان و نوجوانان و همچنین مهارت های لازم برای تعامل با زنان، متفاوت است از آنچه برای مردان مناسب تلقی می شود.

د: رویکرد آموزشی: در پلیس سنتی نقش آموزش پلیس در روابط این نهاد با افراد جامعه بسیار کم رنگ است. اما در رویکرد پیشگیرانه یکی از شیوه های مناسب برای آموزش روش های پیشگیری از بزهکاری و بزه دیدگی به افراد جامعه، استفاده از نیروی پلیس به عنوان یک نهاد آموزشی است.

(غیرمفید، بدون بازدهی و بی تفاوت) مواردی که می‌تواند انگیزه خدمتی پلیس را تحت تأثیر قرار داده و وضعیتی را بوجود آورد که پلیس حضور غیر کارآمد داشته باشد عبارتند از:

الف: عدم تأمین جانی: پلیس شغل مخاطره آمیز دارد و می‌توان این حق را به پلیس داد که از نظر جانی چه در هنگام عملیات و چه غیر آن نگران جان خود باشد.

ب: عدم تأمین مالی: وضعیت حقوق، مسکن، امکانات رفاهی

ج: عدم تأمین شغل: نگرانی از انتقالات ناهنگام و یا سالانه بدون اینکه پلیس کوچکترین اطلاعی و یا رضایتی داشته یا نداشته باشد. چه انتقالات داخل شهر چه از شهری به شهر دیگر.

چ: سختی و طاقت فرسا بودن کار پلیس: بخصوص در بخش‌های عملیاتی که بسیاری از موارد برای ایشان حقوق و مزایای فوق العاده منظور نمی‌گردد.

۹- اضطراب آور بودن شغل پلیسی

شاید بتوان اضطراب را به عنوان یکی از موانع موفقیت در ارائه خدمات خوب پلیس و بخصوص پیشگیری از جرم دانست. در نتیجه اگر داشتن اضطراب شخصی را از کار سازنده بازداشته و او را دست پاچه کرده و غرق در اندیشه‌های نگران کننده نماید، نه تنها کار آرائی مفیدی نخواهد داشت که زیان آور هم خواهد بود. بعضی از علت‌های اضطراب ممکن است در خود شخص باشد اما عمده ترین علل ایجاد اضطراب در افراد پلیس از ناحیه سازمان و پلیس می‌باشد. بعضی از عوامل اضطراب آور در شخص پلیس عبارتند از:

دارد. بنابراین شغل پلیس ایجاب می‌کند که با مردم در ارتباط باشد، ارتباط با مردم و خدمت به آنها مستلزم این است که پلیس شغل خودش را دوست بدارد و به آن عشق به ورزد و با انگیزه‌ای بالا خدمت شایسته خویش را ارائه بدهد. برای مثال: اگر کارگر یک کارخانه صنعتی انگیزه‌ای قوی برای انجام کار خود نداشته باشد، نتیجه منفی کم کاری یا بدکاری او متوجه صنعت و محصولات صنعتی آن کارخانه می‌شود. که به هر حال قابل جبران است. اما اگر پلیس که وظیفه اش خدمت به مردم است، انگیزه‌ای برای انجام وظیفه نداشته باشد و از روی دلسردی و بی میلی و بی تفاوتی کار کند، نتیجه سوء و منفی آن متوجه مردم می‌شود. که نه تنها جبران آن بسیار دشوار است، بلکه انعکاس نامطلوبی در سطح جامعه خواهد داشت. پرواضح است زمانی پلیس خواهد توانست در انجام وظیفه خطیر خود موفق باشد که از حداقل امکانات معقول برای زیستن بهره مند بوده و لاقلاً بطور نسبی از آرامش روحی و فکری برخوردار باشد. موانع و مشکلات زیادی می‌توانند موجب عدم موفقیت پلیس در پیشگیری از وقوع جرم و برقراری نظم و امنیت جامعه مانند آن که همه این اقدامات در سایه انجام وظیفه خوب پلیس تحقق می‌یابد را فراهم آورند. از موانع و مشکلات که مانع انجام اهداف پلیس می‌شوند می‌توان ۱- انگیزه خدمتی پلیس ۲- اضطراب آور بودن شغل پلیس ۳- کمبود تجهیزات و امکانات اشاره نمود، که در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) انگیزه خدمتی پلیس

اگر پلیس برای انجام وظیفه و خدمت به مردم انگیزه بالا نداشته باشد و عاشق خدمت به مردم نباشد، در محل کار خود، سطح شهرو جامعه حضور خواهد داشت، اما به گونه‌ای

۱- کارشیفتگی

۱۰- کنشگری ترمیمی توسط پلیس

۲- داشتن یک ساختار نظامی

قدمت رویکرد اجرای امور پلیس جامعه محور به اندازه رویکرد اجرای امور پلیسی سازمان یافته است. به همین سان، در سال ۱۸۲۹ میلادی، سر رابرت پیل، طرح نیروی پلیس حرفه‌ای را به پارلمان انگلستان معرفی کرد که این طرح به تشکیل نیروی پلیس مرکزی منجر شد و در نهایت قانون پلیس کلان شهری در همان سال به تصویب رسید و اداره امور پلیس پیشرفته آغاز شد؛ بدین ترتیب، در اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی اصطلاح پلیس جامعه محور شایع شد و جای واژگانی چون «ارتباط پلیس با جامعه»، «پلیس تیمی» و «پلیس مشکل گشا» را گرفت؛ به عبارتی، پلیس جامعه محور عبارت است از «راهبرد و خط مشی با هدف دستیابی به کنترل مؤثر و کارآمد جرایم، کاهش ترس از جنایت، توسعه کیفیت زندگی، گسترش خدمات پلیس و مشروعیت کار پلیس از طریق تکیه به منابع جامعه که در صدد تغییر شرایط جرم خیز هستند».

اما نباید از نظر دور داشت، این امر مستلزم مسئولیت پذیری بیشتر پلیس، سهیم شدن بیشتر جامعه در فرآیند تصمیم‌گیری و توجه بیشتر به حقوق و آزادی‌های مدنی است. آنچه در این میان به ذهن می‌رسد، این است که بر اساس اصول و قواعد کلی، پلیس جامعه محور بر این فرض استوار است که مراقبت پلیسی وقتی مؤثر خواهد بود که از پشتیبانی و مشارکت مردم برخوردار باشد و جنبه‌های مختلف نقش پلیس در زمینه خدمات اجتماعی و حفظ نظم به رسمیت شناخته شود. گفتنی است، این دیدگاه به پیشگیری غیرکیفری از کج‌روی‌ها در مقایسه با راهبرد کیفری اولویت می‌دهد. تا بدین جای مراتب، پلیس جامعه محور به پلیسی گفته می‌شود که

۳- احتیاج به سرکوب احساسات و رعایت فاصله روان شناختی

۴- بدگمانی پلیس

۵- عدم امکان مداخله و ابراز نظر در سیستم بوروکراسی پلیس

۶- احساس انزوای اجتماعی

۷- بازنشستگی

۹- کمبود تجهیزات و امکانات پلیس

شاید اگر به گویم وسایل، امکانات و تجهیزاتی که می‌بایست در اختیار پلیس به خصوص آن دسته از پرسنل نیروی انتظامی که مستقیماً در سطح شهر با مردم در تماس هستند، به گشت زنی مشغولند و از وقوع جرائم پیشگیری می‌کنند، قرار گیرد. بسیار کمتر از میزان ایده آل و مطلوب است که پلیس پیشگیری بایستی به آنها مجهز باشد براساس واقعیات موجود اظهارنظر کرده ایم البته ممکن است وسایل و امکاناتی که در رده های فرماندهی و مدیریت مورد استفاده قرار می گیرد مجهز و سالم و مرتب باشد از قبیل اتومبیل های فرم و نیز ساختمان ها، میزها، بی سیم ها و تلفن مانند آن اما این امکانات در رده های پایین سازمان بخصوص کلانتری ها و پاسگاه ها که عمده تاً بعنوان پیشگیری کننده از جرائم و بزهکاری محسوب می شوند، موجود نیست. بنابراین در مجموع می توان این گونه بیان کرد، باید نیروی انتظامی را مجهز کرده تا با اقتدار بیشتر آرامش را از سارقان بگیرد و اجازه ندهد که مال و دارایی مردم را به سرقت ببرند.

دو هدف عمده را در راهبرد خود در برقراری نظم عمومی و امنیت اجتماعی دنبال می‌کند.

به همین ترتیب، می‌توان رویکرد جامعه محوری پلیس را یک نوع استراتژی سازمان پلیس دانست که بر دو پایه اصلی استوار است؛ اولین پایه این راهبرد را لزوم برقراری تعامل پلیس با ارکان مختلف جامعه به منظور خدمتگذاری بهتر به مردم تشکیل می‌دهد. در واقع، یکی از اهداف اصلی آن، «سازمانی برخاسته از مردم، در کنار مردم و برای مردم» می‌باشد. دومین پایه راهبردی جامعه محوری پلیس، عمومی تلقی نمودن مقوله‌ی نظم و امنیت اجتماعی است؛ بدین معنا که پلیس نه می‌خواهد و نه می‌تواند که به تنهایی نظم و امنیت را در جامعه برقرار کند؛ بلکه این سازمان در جهت برقراری نظم و امنیت در جامعه نیازمند کمک و حمایت مردم و دیگر سازمان‌ها و نهادها می‌باشد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، یکی از سازمان‌هایی که به دلیل جایگاهش می‌تواند در اجرای مفید و مطلوب این برنامه نقش مؤثری داشته باشد، پلیس هست. کارکنان این سازمان به ویژه کسانی که در کلانتری‌ها انجام وظیفه می‌نمایند، معمولاً اولین کسانی هستند که در پی وقوع جرم با بزه‌دیده و متعاقباً با بزه‌کار برخورد می‌نمایند و معمولاً این تعاملات به دفعات و به دلایل مختلف و گاهی تا پایان رسیدگی کیفری به طول می‌انجامد؛ به عبارت بهتر، این نقش بی‌بدیل با توجه به قوانین و شرایط اجتماعی در کشور ما می‌تواند، در راستای تحقق برنامه‌های عدالت ترمیمی نقش منحصر به فردی ایفاء کند. با این تفسیر، سیاست جنایی برای اعاده نظم از دسته رفته ناشی از ارتکاب رفتار مجرمانه و همچنین در سطح کلی برای کاهش بی‌نظمی و پیشگیری و کنترل جرائم، سیاست-

های اجرایی مختلف رسمی و غیررسمی را به کار می‌گیرد. چه بسا، پلیس به عنوان بازوی نظام عدالت جنایی در برخورد با جرائم پیشگام است و با توجه به اختیارات و اجرای شیوه-های نوین (فرآیندهای عدالت ترمیمی)، نقش مهمی را در حل و فصل مسالمت آمیز مشارکتی مسائل کیفری ایفا می‌کند).
(خوئی، ۱۳۷۱، ۳۶۴)

نکته مهمی که نباید از نظر دور داشت این است که پلیس در نظام عدالت جنایی سنتی با محدودیت‌ها و انتقادهایی مواجه است، به طوری که صاحب نظران خواستار اصلاح آن شده‌اند. در واقع با سیستم سنتی پلیس مشکلاتی در جامعه، همانند افزایش وقوع جرم، افزایش ناامنی، صرفه هزینه و وقت زیاد در رسیدگی و سیستم اداری و به طور کلی ناکارآمدی در اجرای عدالت و بسیاری دیگر از محدودیت‌ها و نارساهایی دیگری که وجود دارد، جامعه را نیازمند الگوی از پلیس می‌کند، با استفاده از الگوی مشارکتی و مداخله کردن افراد جامعه در حل مشکلات که پیشینه نشان دهنده مثبت بودن نتایج مشارکت است، الگوی جدیدی از پلیس را نوید می‌دهد.

پلیس ترمیمی، خلاف پلیس در نظام عدالت جنایی سنتی که محدود به قانون و در مقام ضابط دادگستری فعالیت‌های تعریف شده‌ای به وسیله قانون دارد، به صورت فعال در جامعه حضور دارد و در پی اهداف آینده‌نگرانه برای برقراری رابطه‌ی خوب میان پلیس و مردم برنامه ریزی کرده است تا با استفاده از آن گفتگو و مصالحه را در سطح جامعه برای حل و فصل مشکلات کیفری با مشارکت دادن صاحبان اصلی عدالت در تصمیم‌گیری‌ها فراهم سازد و پلیس از این طریق بتواند به دنبال اهدافی از قبیل زمینه ارتکاب جرائم را از بین برده و به اصلاح امور بپردازد. در واقع، پلیس ترمیمی برای ایجاد

کودکان و زنان که در معرض آسیب دیدگی بیشتر قرار دارند و انجام اقدام‌های پیشگیرانه و اجرای برنامه‌های ترمیمی در توسعه عدالت قضایی تأثیرگذار است.

۱۱- بایسته‌های ساختاری و مأموریتی فعالیت ترمیمی پلیس

همان‌طور که در قسمت بالا در خصوص نهاد پلیس بحث شد، پلیس در مفهوم سنتی اصولاً مسئول اجرای قانون از طریق خط مشی‌هایی است که از طرف حکومت القاء شده و اغلب باعث برچسب زنی و بدنامی عده‌ای از افراد می‌گردد. با این پیشینه و در این جایگاه، انتظار از پلیس برای اینکه مجری منصف و بی‌طرفی در اجرای برنامه‌های ترمیمی می‌باشد، انتظار به جایی نیست. به نظر می‌رسد اجرای عدالت ترمیمی نسبت به بزه‌دیدگان توسط پلیس مستلزم تغییر راهبردهای سازمانی و فرهنگی و وجود مقدمات و زمینه‌های لازم است که در صورت وجود آن‌ها می‌توان به اثربخشی برنامه‌های عدالت ترمیمی امیدوار بود.

۱۲- تغییر راهبرد از سیاست‌های سختگیرانه کیفری به سیاست‌های جنایی مشارکت محور

معمولاً، آنچه از اقدامات پلیس و به طور عام نظام عدالت جنایی به ذهن متبادر می‌شود، سیاست‌های خشن و سزاگرا است. این اقدامات، قبلاً، در قالب مکتب کلاسیک حقوق کیفری و امروزه، در جنبش بازگشت به کیفر در چهارچوب عدالت استحقاقی تعمیم یافته است. در مقابل، سیاست جنایی، در مفهوم موسع، بزه‌دیده را عنصری فعال در روند عدالت جنایی شناخته که از حقوق فراوانی برخوردار است و کنشگران، از جمله پلیس، در حال خدمت به بزه‌دیدگان هستند. عدالت ترمیمی به دلیل دارا بودن ویژگی‌هایی:

مشارکت با جامعه در حل و فصل مسالمت آمیز جرایم به وجود آمده است. بنابراین لازم است پلیس ساختار خود را با این برنامه‌ها هماهنگ و در جهت آن تغییر دهد و همچنین نیاز است مأموران پلیس از رئیس تا نیروی عادی صرف نظر از واحدی که در آن به خدمت مشغول هستند، در ارتقا و نهادینه کردن این برنامه‌ها در اصول و اساس برنامه‌های پلیس تلاش کنند. بدین‌سان، پلیسی‌گری ترمیمی یا گفتمان سازی مقوله عدالت ترمیمی، در میان مأموران پلیس به دنبال حاکم نمودن شکل جدیدی از تفکر در بین مأموران پلیس است که به ایشان القاء نماید که در تمام زمان‌ها، مکان‌ها، موضوعات و افراد باید به صورت ترمیمی ببانیدشند و عمل نمایند. تعمیم این نوع تفکر و عملیاتی آن علاوه بر نیاز به گفتمان سازی، مستلزم تهیه مقدمات آن است.

سرانجام می‌توان بیان داشت، تحقق اهداف عدالت ترمیمی مستلزم وجود کنشگرانی است که ضمن آشنایی با مبانی و اهداف عدالت ترمیمی، به اصول آن نیز اعتقاد داشته باشند؛ چراکه در بسیاری از موارد، پلیس یکی از مهمترین نهادهای مسئول پاسخ دهی به پدیده مجرمانه و اولین نهاد مراجعه بزه‌دیدگان پس از وقوع جرم، نقش مهمی در اجرای برنامه‌های ترمیمی دارد؛ افزون بر آن، موفقیت پلیس در این راه مستلزم تغییراتی در ساختار و نیز تغییر نگرش پلیس است. در غالب موارد، لزوم پاسخگویی سریع و مؤثر پلیس به پدیده مجرمانه و استفاده از برنامه‌های ترمیمی در زمان مناسب، ضمن جلوگیری از گسترش انتقام‌های شخصی، بزه‌دیدگی ثانویه، اطلاع دادرسی و مراجعه بی‌مورد افراد به نظام کیفری، باعث التیام آلام و جبران خسارات مادی و معنوی بزه‌دیده خواهد شد. بنابراین از مطالب فوق می‌توان این گونه استنباط کرد که توجه پلیس به بزه‌دیدگان خاص و بالقوه، همچون سالمندان،

۲- توانایی پلیس در انجام این مهم، منوط به تأیید عمومی اقدامات پلیس توسط مردم دارد.

۳- پلیس باید همکاری مردم در نظارت داوطلبانه بر اجرای قانون را تضمین نموده و از این طریق احترام به حقوق عامه را نیز حفظ و تأمین نماید.

۴- میزان همکاری مردم می‌تواند ضرورت استفاده از اقدام فیزیکی را کاهش دهد.

۵- پلیس نه از رهگذر جلب افکار عمومی، بلکه از طریق نمایش مداوم ارائه خدمات بی‌طرفانه و اقدامات قانونمند، باید به دنبال حفظ منافع عمومی باشد.

۶- پلیس باید به میزان ضرورت از نیروی فیزیکی برای تأمین امنیت، رعایت قانون و اعاده نظم و قانون استفاده کند، البته زمانی که هشدار و اقدامات تعقیبی دیگر مؤثر واقع نشود.

۷- پلیس باید در تمام شرایط، ارتباط خود با مردم را حفظ کرده و این واقعیت را القاء نماید که پلیس از مردم بوده و مردم از پلیس هستند.

۸- پلیس بودن مختص مأموران رسمی پلیس که رابطه استخدامی با پلیس داشته و در ازای خدمات حقوق دریافت می‌کنند، نیست، بلکه هر شهروند در راستای حفظ منافع عمومی یک پلیس محسوب می‌شود.

۹- پلیس باید به طور مستقیم وظایف خاص خود را انجام داده و در مورد وظایف نهادهای قضایی دیگر، مداخله نکرده و یا اقدام به غصب قدرت ایشان ننماید.

همچون خصیصه غیرقضایی و مشارکت جامعه مدنی در اجرای آن، قرابت بیشتری با نوع خاصی از سیاست جنایی موسوم به سیاست جنایی مشارکتی دارد.

مفهوم مشارکت در معانی مختلفی، همچون سهیم شدن، تقسیم کار، مسئولیت‌پذیری و اشتراک مساعی مورد استفاده قرار گرفته است. به رغم برداشت‌های گوناگون، جملگی بر کاربرد مفید مشارکت در عرصه توسعه و رفع مشکلات اقتصادی و اجتماعی اتفاق نظر دارند. افزون بر آن، ورود این واژه به قلمرو سیاست جنایی، جدیدترین و مهمترین گرایش سیاست جنایی را به وجود آورده است. سیاست جنایی مشارکتی در دوره معاصر غرب، بنا به علل و عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و جرم‌شناختی، به ویژه بحران ناکارآمدی و ناتوانی نظام عدالت کیفری در استفاده صرف از ابزارهای سنتی زرادخانه حقوق کیفری جهت مقابله با پدیده مجرمانه بروز پیدا کرد و از عمر آن بیش از چند دهه نمی‌گذرد.

بدین‌سان ضروری است، در همین مدت کوتاه آثار ارزشمند و قابل توجهی به جای گذاشته و به سرعت در حال تحول و تکامل است تا جایی که به رویکرد اصلی سیاست جنایی بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد تبدیل شده است. به طور کلی، منظور از سیاست جنایی مشارکتی بررسی و مطالعه‌ای است که در سیاست جنایی یک کشور به جامعه مدنی از رهگذر اعطای نقش به بزه‌کار، بزه دیده و به ویژه کل جامعه یا مردم داده شده است که دارای اصولی می‌باشد. این اصول عبارت بودند از:

۱- مأموریت اصلی متصور برای پلیس، پیشگیری از جرم است.

۱۰- ارزیابی کارآمدی و سودمندی اقدامات پلیس، منوط به عدم وجود جرم و بی‌نظمی است، و نه صرف مشاهده و اقدامات ظاهری در برخورد با جرائم است.

۱۳- تحول ساختاری؛ از پلیس سنتی به پلیس جامعه محور

در پلیس سنتی، پلیس مؤسسه‌ای دولتی است که مسئول اجرای قانون است و نقش پلیس در جامعه در حل مشکل جرم و جنایت خلاصه می‌شود. موفقیت پلیس در این سیستم‌ها به وسیله میزان کشف و دستگیری سنجیده می‌شود و اولویت کار پلیس برخورد با جرائم مالی شدید یا جرائم توأم با خشونت است.

یکی از راهبردهای پیشگیرانه پلیس جامعه محور نسبت به پلیس سنتی، رویکرد پلیس هشدار دهنده به جای پلیس تعقیب کننده است؛ به عبارت ساده‌تر، پلیس برای حفظ امنیت اجتماعی و اجرای وظایف ذاتی خود ناگزیر از امر و نهی به دیگران و اعمال قدرت است. در این راهبرد عدالت ترمیمی به عنوان الگویی که در کنار الگوی عدالت جنایی سنتی، جایگاه ویژه‌ای در نظام‌های مختلف دارد، اهداف چندگانه‌ای از جمله ترمیم خسارت بزه دیده، آشتی بین بزه دیده و بزه‌کار و بازگرداندن انسجام گسسته شده در اجتماع در نتیجه وقوع جرم را دنبال می‌کند.

از مهمترین ویژگی‌های پلیس سنتی می‌توان به ویژگی‌های زیر اشاره کرد:

۱- در مدل پلیس سنتی، پلیس یک نهاد دولتی است و خود را بیشتر مسئول اعمال قانون می‌داند؛

۲- پلیس سنتی وظیفه عمده خود را در روشن کردن وضعیت پرونده‌های کیفری و جرائم می‌داند

۳- پلیس سنتی میزان کارایی خود را در شناسایی و دستگیری متخلفان می‌داند؛

۴- اولویت‌های مدل سنتی پلیس مبارزه با جرائم بزرگ و پیچیده است؛

۵- پلیس سنتی به طور ویژه به وقایع و حوادث و جرائم ارتكابی توجه می‌کند؛

۶- معیار کارایی پلیس سنتی، در میزان سرعت و حضور در صحنه جرم است؛

۷- پلیس سنتی بسیار متمرکز و تحت قوانین و مقررات سخت قرار دارد و در عمل عرف و عادات شغلی و صنفی در آن حکومت می‌کند؛

۸- پلیس سنتی تعقیب قضایی جرائم را هدف عمده و مهم خود می‌داند و به همین جهت تهیه آمار از فعالیت‌های معمول درباره تشکیل پرونده‌های جنایی برای این نهاد مهم است؛ البته لازم به ذکر است، آن چیزی که امکان ورود تدریجی اصول و قواعد مربوط به عدالت ترمیمی را به نظام قضایی کشور تسهیل می‌کند، وجود برخی نهادها در نظام قضایی کشور ما و مبانی مقتضی شریعت اسلام از یک سو و ماهیت انعطاف پذیر نظام عدالت ترمیمی از سویی دیگر هست. در هر حال، حرکت به سوی دادرسی ترمیمی و پیش بینی نتایج، احتمالاً، نیاز به عزمی جدی از جانب قانونگذار در اجرای اصول مربوط به آن؛ ثانیاً، قدرت اجرایی عدالت ترمیمی در کشور باید مورد توجه باشد تا بتوان قواعد عدالت ترمیمی را آن گونه

که فرهنگ ایرانی و اسلامی کشور ما ایجاب می‌کند، در کشور جاری نمود.

در واقع، به کاربرد عدالت ترمیمی در حل اختلافات جامعه توسط پلیس فواید مثبتی، مانند قضا‌زدایی، کیفر زدایی، جرم زدایی، ترمیم حقوق افراد، مصالحه بین افراد جامعه، پیشگیری از جرم، بالا بردن تأمین امنیت جامعه و بسیاری از فواید دیگر که باعث تقویت جامعه شده و سازمان پلیس را در به کار بردن برنامه‌های ترمیمی مصمم می‌سازد. در آخر، با توجه به قدم‌های اولیه که در زمینه پلیس ترمیمی برداشته شده می‌توان با افزایش تجربه و تخصصی شدن پلیس در این زمینه، همچنین تلاش‌های ملی و بین‌المللی، می‌توان امیدوار بود که پلیس ایران بتواند با به کارگیری برنامه‌های ترمیمی قابلیت‌های خود را در جامعه به عرصه ظهور برساند؛ پس در اینجا هم آموزش نیروهای پلیس و هم فرصت‌های ساختارسازی پایداری بر اساس محور حل مسأله اهمیت دارند.

پلیس ترمیمی عضو جامعه و مردم است و مردم نیز خود را جزء پلیس و به ویژه فعال در حل و فصل مسائل کیفری و رویکردی حاوی حل و فصل مسائل مربوط یا ناشی از بزهکاری دارد و کارایی و میزان موفقیت خود را در میزان و نوع همکاری مردم با خود و تعداد موفقیت آمیز بودن از کل رسیدگی‌هایی که انجام شده می‌داند و خلاف پلیس سنتی که بسیار متمرکز و تحت قوانین و مقررات سخت قرار دارد، پلیس ترمیمی با توجه به نیازها و مسئولیت‌هایی که دارد به طور انعطاف پذیر اقدام می‌کند. مجهز کردن پلیس به ارتباط تلفنی مناسب و فوری، دسترسی آسان و به موقع به آن، همجوار با مردم و در تماس مستقیم و مستمر با شهروندان و مسائل آنان باعث بالا بردن خدمات رسانی پلیس به جامعه می‌شود که در راستای

آن، توسعه و گسترش واحدهای مشاوره و مددکاری کلانتری-ها در مراجعه افراد جامعه در استفاده از خدمات این واحدها مؤثر است. آموزش تخصصی و حرفه‌ای نیروهای پلیس در برخورد با افراد شرکت‌کننده در فرایندهای عدالت ترمیمی و پاسخ به جرائم با ارائه آموزه‌های جامعه‌شناسی، روانشناسی و جرم‌شناسی در راستای درک شرایط و موقعیت بزه‌دیدگان که ناشی از جرم است، در برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌های پلیس، باید در نظر گرفته شوند. (مجلسی، ۱۳۶۹، ۲۴۵)

همچنین داشتن برخورد و رفتارهای احترام آمیز، همدلی و بدون هر نوع پیش داوری در برخورد با افراد شرکت‌کننده، حمایت‌های مدنی و دولتی، همکاری با سایر نهادهای قضایی و دادن منابع، امکانات و اختیارات برای خارج کردن پرونده از رویکرد رسمی از اقدامات مهمی هستند که برای توسعه این رویکرد ضروری هستند؛ بر این اساس برخی از مهمترین ویژگی‌های رویکرد پلیس جامعه محور عبارت هستند از:

الف) تأکید بر پلیسی‌گری مشارکتی

در رویکرد پلیس جامعه محور، مشارکت عمومی در تحقق اهداف پلیس، یکی از مهمترین ویژگی‌ها است، خلاف رویکرد سنتی که در آن پلیس، وظیفه تأمین امنیت را برعهده داشته و ارائه‌کننده آن است، در پلیس جامعه محور، مشارکت تمام نهادهای مدنی و نیز دولتی در تحقق اهداف و وظایف پلیس مد نظر است.

ب) توجه به امنیت محسوس همزمان با حفاظت از امنیت موجود

از بهترین شاخصه‌های رویکرد اجتماع محور پلیس، گسترش احساس امنیت همزمان با وجود امنیت است. پژوهش‌های

پس از وقوع پدیده مجرمانه، ارتباط بزه دیده با نظام عدالت جنایی، به ویژه پلیس، آغاز می‌شود. نظریه‌های مختلفی در خصوص اعتماد بیان شده است؛ برای نمونه دیوید جانسون معتقد است: برای ایجاد ارتباط (برای نمونه ارتباط نهادهای اجرای الگوی عدالت ترمیمی) فرد باید بتواند فضای آکنده از اعتماد را ایجاد کند که ترس‌های خود و دیگری را از طرد شدن برهاند و امید به پذیرش و حمایت و تأیید را ارتقا بخشد. از آنجا که مشارکت فعال تمام اعضای حاضر در فرآیند عدالت ترمیمی مستلزم وجود اعتماد متقابل به یکدیگر از جمله تسهیل کنندگانی مانند پلیس در برنامه‌های ترمیم مدار است، می‌توان از ظرفیت مورد اشاره در ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری که به لزوم مورد اعتماد و آموزش دیده بودن نیروهای پلیس اشاره دارد، در فرآیندهای ترمیم مدار نیز استفاده نمود.

۱۳- اجرای فرآیندهای عدالت ترمیمی توسط پلیس

هرچند برنامه‌های ترمیمی پلیسی ممکن است از نظر شکلی متفاوت باشند؛ ولی در ترمیمی بودن، وجه اشتراک دارند. مهمترین برنامه‌های پلیس در راستای گسترش عدالت ترمیمی را می‌توان در دو دسته تقسیم‌بندی کرد:

۱۴- میانجی‌گری پلیس

میان شیوه‌های عدالت ترمیمی فرآیند میانجیگری از اولین برنامه‌های عدالت ترمیمی و حتی گسترده‌ترین آن‌ها است که به طور مستقیم و غیرمستقیم در دادگاه‌ها انجام می‌شود. رابطه میانجیگری با عدالت ترمیمی به حدی نزدیک است که تفکیک این دو از هم دشوار می‌کند. میانجیگری در قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ از حیث ساختار و تشکیلات اداری دارای ۳ اصل مهم هست؛ مقتضی بودن تعقیب، بزه‌دیده مدار

جرم‌شناسی نشان می‌دهد، احساس امنیت، بیش از وجود امنیت، برای شهروندان، حائز اهمیت است و بر ظرفیت جنایی و بزه دیدگی جامعه اثر می‌گذارد.

ج) افزایش سرمایه اجتماعی پلیس

رویکرد اجتماع محور پلیس با اعتقاد به اینکه افزایش اعتماد و همکاری مردم با پلیس، مهمترین سرمایه پلیس برای انجام وظایف و تحقق اهداف است، به دنبال افزایش سرمایه اجتماعی پلیس است. افزایش سرمایه اجتماعی پلیس، شاخص‌هایی دارد که افزایش یا کاهش آنها می‌تواند سرمایه اجتماعی پلیس را افزایش یا کاهش دهد؛ از جمله این شاخص‌ها اعتماد، اعتقاد، رضایتمندی و مشارکت مردم در فعالیت‌های مربوط به پلیس است. به منظور تأمین سرمایه اجتماعی، پلیس باید به دنبال آن باشد که با ارائه خدمات مورد نیاز شهروندان، اعتماد آنان را جلب کند. این اعتماد زمانی فراهم خواهد شد که شهروندان صادقانه پلیس را خدمتگزار خود بدانند نه مأمور ناظر و مراقبت خود.

د) افزایش کنترل غیررسمی

پلیس جامعه محور با افزایش نقش مشارکتی مردم و نهادهای دولتی در زمینه تأمین نظم و امنیت به دنبال گسترش کنترل غیررسمی است. بدیهی است به دلیل گستردگی دامنه کنترل غیررسمی این امر به مراتب دامنه امنیت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی را خواهد افزود و اهداف پلیس را محقق خواهد کرد.

براین اساس شرایط اجرای برنامه‌های ترمیمی در سازمان پلیس شامل موارد زیر است:

عنوان فرد و نه تنها یک گواه نگریسته می‌شود؛ به بیان دیگر، در این روش‌ها به بزه‌دیده به عنوان فردی که به طور مستقیم آزار و آسیب و در وضعیتی ساز و کاری در ساختار ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری پیش بینی شده و مراجع قضایی را مکلف کرده است که به منظور دست یافتن به صلح و سازش میان طرفین اختلاف، از راهکارهایی همچون میانجیگری استفاده نمایند.

میانجیگر از بزه‌دیده دعوت می‌کند تا علاقه‌ها و منفعت‌های خود را ابراز کند، از حقوق خود در زمینه دریافت خسارت آگاه شود و راه‌های استفاده از مشورت و مشاوره را بیاموزد و در فرآیند حل اختلاف، منفعت‌های خود را بهتر ابراز کند. در روش‌های حل اختلاف سازشکارانه، به بزه‌دیده فرصت داده می‌شود تا احساسات خود را برای نمونه شرم، خشم، حساسیت و یا رضایت خود ابراز دارد؛ چراکه از این رهگذر امکان راهنمایی او برای مشاوره و درمان فراهم می‌شود؛ از نظر شکلی و تشریفاتی، روش‌های مصالحه بیرون از دادگاه، این امکان را فراهم می‌کنند که بزه‌دیده خسارت خود را بدون درگیر شدن در تشریفات دست و پاگیر اداری و کاغذ بازی دریافت کند؛ با توسل به شیوه‌های میانجیگری، هرگونه زیان وارده به بزه‌دیده به سرعت جبران می‌شود.

تناقضی که مطرح می‌شود از فلسفه وجودی پلیس به عنوان یک نهاد متولی ایجاد نظم و امنیت، با برنامه‌های ترمیمی که اقدامی در راستای به حداقل رساندن مداخله کیفری و اطلاع دادرسی و در واقع کاهش چتر کنترلی حاکمیت بر فرایند دادرسی‌ها است، ناشی می‌شود. رفع این آسیب‌ها مستلزم تحول در ساختار پلیس سنتی به سوی پلیس جامعه محور و

بودن و اختیاری بودن، منظور از موقعیت داشتن تعقیب در میانجی‌گری مفید تشخیص دادن تعقیب و اختیاری بودن آن از سوی مقام قضایی در دادگاه است.

اصل مشارکت اختیاری در میانجیگری پیش‌زمینه و پیش شرط لازم برای هر نوع میانجیگری کیفری در دادگاه‌ها بوده و بدون آن امکان موفقیت فرآیند میانجیگری از بین خواهد رفت. این اصل ممتاز میان فرآیندهای عدالت ترمیمی با فرآیندهای رسمی رسیدگی کیفری است و در آن، حق انتخاب به بزه‌دیده و بزهکار واگذار شده است در بند پ ماده ۱۳ اصول اساسی استفاده از برنامه‌های عدالت ترمیمی در امور کیفری مقدر می‌دارد که «هیچیک از بزه‌دیده و بزهکار نباید با روش‌های غیر منصفانه به شرکت در فرآیند ترمیمی یا پذیرفتن برآیندهای ترمیمی مجبور یا وارد شوند».

اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی توسط پلیس، نیاز به فراهم نمودن و تقویت مقدمات و زمینه‌هایی دارد که در صورت وجود آن‌ها، می‌توان به اثربخش بودن برنامه‌های عدالت ترمیمی امیدوار بود. مهمترین عامل عبارت است از اعتماد بزه‌دیده به پلیس پس از وقوع پدیده مجرمانه ارتباط بزه‌دیده با نظام عدالت جنایی و بخصوص پلیس که دارای نقشی مهم است آغاز می‌شود. پلیس با الهام از سیاست‌های گذشته و در اجرای وظیفه قانونی مبنی بر میانجیگری، اقدام‌هایی در خصوص حل و فصل پدیده مجرمانه بین اصحاب دعوا به عمل می‌آورد که نمود عینی آن میانجیگری بین بزه‌دیده و بزهکار است که به صورت رسمی و غیررسمی عرفی انجام می‌شود

میانجیگری پلیس در همان مراحل آغازین فرآیند عدالت جنایی، برای بزه‌دیدگان منافع زیر را به دنبال دارد، در روش‌های حل و فصل سازشکارانه و میانجیگری، به بزه‌دیده به

تغییر مأموریت آن از مجری صرف سیاست کیفری بودن، به سوی انجام سیاست‌های جنایی مشارکت مدار است

۱۵- نقش پلیس در منتهی شدن دعاوی به میانجی‌گری کیفری

سازمان پلیس از جمله نهادهای نظام عدالت جنایی است که در طول دادرسی قرار داشته و عهده دار انجام تحقیقات مقدماتی در فرایند کیفری؛ البته با نظارت دادرسی است. پلیس دارای نقش گسترده و حضوری پررنگ در عرصه‌های مختلف است و در زمینه گوناگونی به فعالیت می‌پردازد و با توجه به اینکه سازمان پلیس جزو اولین بخش‌هایی است که بزه‌دیده بعد از وقوع جرم به آن مراجعه می‌کند، بسیار می‌تواند در خصوص سازش دعاوی کیفری مؤثر باشد که البته در سال‌های اخیر شاهد حضور پررنگ‌تر پلیس در این خصوص بوده‌ایم.

ساختار پلیسی یکی از شاخص‌ترین و برجسته‌ترین مرحله از مراحل نظام عدالت جنایی هست. خدمات پلیس که جنبه حمایتی فوری دارند، لازمه و پیش شرط درک و تصور صحیح و مثبت از نظام عدالت جنایی هست و سنجش میزان توانایی یا اقتدار و ضعف یک دولت به عملکرد پلیس و مقررات خدمات پلیس و دستگاه و ساختار پلیس بستگی دارد.

نقش پلیس در قالب واسطه، به عنوان نخستین واحد مورد مراجعه بزه‌دیده و یا نهادی که بر اساس درخواست افراد در صحنه جرم حاضر می‌شود، بی‌بدیل است. در واقع پلیس با توجه به شأن و منزلتی که دارد، در فرایند میانجی‌گری، اغلب به عنوان میانجی مورد پذیرش و درخواست عناصر تشکیل‌دهنده جرم وارد می‌شود، پلیس در فرایند میانجی‌گری در مراحل ارجاع، ایجاد آمادگی در طرفین برای میانجی‌گری،

انجام میانجی‌گری و برآیندگیری و پیگیری نتایج حاصله از آن، نقش مؤثری را ایفا می‌کند.

وظیفه پلیس، حمایت از آزادی و حقوق شهروندان، اجرای قوانین، مقررات و الزامات دولت، مبارزه با جرائم، حفظ نظم، ارائه کمک در موارد اضطراری، دستگیری بزهکار، پیشگیری از وقوع جرم است که با نگاهی به این وظیفه می‌توان به این نتیجه رسید که پلیس به عنوان یکی از ارگان‌های دولتی، می‌تواند با رفتار قاطع و سریع در کنار مبارزه با جرم و مقابله با مجرمان شرکت جسته و خدمات فراوانی را به بزه‌دیدگان ارائه دهد و نقش مؤثر و قابل توجه خود را در تحقق عدالت برای بزه‌دیدگان عملی سازد. (پیکا، ۱۳۷۰، ۴۵۸)

پلیس به عنوان میانجی آموزش دیده، مکان و زمان ملاقات و مقدمات آن را فراهم می‌کند و شرکت کنندگان به دلیل اعتماد و فضای ایجاد شده توسط پلیس تشویق می‌شوند تا اطلاعات واقعی و احساسات حال، گذشته و آینده را بیان کنند. در اثر این ملاقات، بزه دیده از انگیزه بزهکار، تأثیر دستگیری و اقدامات قضایی بر رفتار بزهکار و مشکلات قبلی و فعلی بزهکار که در وقوع پدیده مجرمانه مؤثر بوده است، آگاه می‌شود و بزهکار نیز از آثار بزه بر بزه‌دیده اعم از صدمات مادی، معنوی و بزه‌دیدگی ثانویه مطلع می‌شود. پلیس نیز ضمن آگاه نمودن طرفین از پیامدهای حقوقی بزه و آثار فردی و اجتماعی آن و با استفاده از فرهنگ و آداب و رسوم و نقاط مشترک عناصر تأثیرگذار بر بزه، سعی در حل و فصل پدیده مجرمانه می‌نماید. پلیس می‌تواند در امر سازش بین طرفین مؤثر باشند؛ چراکه در بسیاری از مواقع طرفین به محض وقوع جرم، به کلانتری مراجعه می‌کنند و اقدامات مناسب و بجای این واحدها می‌تواند اختلاف را در همان ابتدای پیدایش

و ثانیاً می‌توان با ایجاد واحد مخصوص میانجی‌گری در اداره‌های پلیس، کار را به دست متخصصان مربوطه سپرد.

برای حل مشکل سوم نیز می‌توان افسران مخصوصی را برای امر میانجیگری آموزش داد و یا به عکس، یعنی: کارشناسان روانشناسی را با طی دوره‌های آموزشی کوتاه مدت به عنوان پلیس متخصص به کار گرفت. برای حل مشکل چهارم و پنجم باید آگاهی مردم را بالا برد و با نظارت بر کار پلیس به آن‌ها اطمینان داده هیچ اجباری به پذیرش میانجیگری پلیس یا نتایج آن ندارند.

از دیگر مشکلاتی که در به‌کارگیری اصول عدالت ترمیمی برای پلیس وجود دارد این است که در پیش برد این اصول وجود یک فضای آرام که از امکانات تهویه و نور و مساحت کافی برخوردار باشد بسیار حائز اهمیت است؛ در حالی که در اکثر مواقع اتاق‌های مشاوره و مددکاری مستقر در واحدهای کلانتری فاقد این امکانات است دیگر اینکه اگرچه در بسیاری مواقع تحصیلات مشاوران ممکن است تا سطح کارشناسی ارشد باشد؛ اما در غالب موارد تحصیلات آنان با مسئولیتشان غیرمرتبط است و در عمل نیز فاقد آموزش‌های مناسب هستند و بنابر مراتب یادشده، آنان نیازمند آموزش‌های دوره‌ای، شرکت در کلاس‌های آموزشی و کسب مهارت در زمینه مختلف علمی به خصوص با گرایش حقوق و روانشناسی دارند.

۱۷- نشست‌های گروهی و ترمیمی

بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته در مؤسسه جرم‌شناسی استرالیا، بهره‌گیری از این روش تأثیر مثبتی در تغییر طرز تفکر بزهکاران نسبت به پلیس و نظام عدالت جنایی داشته

خاتمه دهد؛ به عبارتی دیگر هرگاه مقرر گردد، رابطه افراد جامعه بر اساس رعایت حقوق دیگران و عدم تجاوز به حقوق دیگران استوار گردد، ضمانت اجرای این امر مستلزم تأسیس نیرویی است که بتوانند ناظر بر اجرای دقیق آن باشد. این ضمانت اجرا در برخی موارد استفاده از اختیار خاصی مبنی بر دستگیری افراد را می‌طلبد؛ از این رو، دستگیری به عنوان یکی از اختیارات در راستای انجام وظیفه حفظ نظم عمومی به پلیس واگذار شده است. ساختار پلیسی یکی از شاخص‌ترین و برجسته‌ترین مرحله از مراحل نظام عدالت جنایی هست. خدمات پلیس که جنبه حمایتی فوری دارند، لازمه و پیش شرط درک و تصور صحیح و مثبت از نظام عدالت جنایی هست و سنجش میزان توانایی یا اقتدار و ضعف یک دولت به عملکرد پلیس و مقررات خدمات پلیس و دستگاه و ساختار پلیس بستگی دارد.

۱۶- مشکلات پلیس در تعامل با عدالت ترمیمی

ماهیت کار پلیس انجام میانجیگری را برای مأموران آن دشوار می‌کند. برخی از مشکلات پلیس در این زمینه، همان مشکلاتی است که سایر میانجیگران دارند و برخی نیز مخصوص پلیس است. ممکن است پلیس به دلیل قدرتی که دارد، نظرات خود را به طرفین دعوا تحمیل کند.

برای حل این مشکلات تدابیری بدین بیان به نظر می‌رسد؛ برای حل مشکل اول می‌توان از ابتدا با دسته‌بندی جرائم تا حد زیادی نوع جرائم قابل میانجیگری توسط پلیس را مشخص کرد و یا اینکه کارشناس صلاحیتداری را در دایره ارجاع و تقسیم پرونده‌ها به کار گمارد تا موارد قابل میانجیگری را معین کند. برای حل مشکل دوم، اولاً نیازی نیست که پلیس در انواع گوناگون مناقشات میانجیگری کند

در این جلسات، پلیس به عنوان تسهیل‌گر اصلی، پیامدهای ناتوانی در رسیدن به توافق کلی را توضیح داده، مشارکت داوطلبانه را متذکر می‌شود و بدین وسیله راه برای ادامه نشست فراهم می‌سازد. مکانیزم دیگری که در این نشست‌ها کاربرد دارد، ایجاد «شرمساری بازپذیرکننده» است که از نظریه «برایث ویت» برگرفته شده و در آن به جای تأکید بر مجرم، بر فعل مجرمانه تأکید می‌شود.

این نکته را نباید فراموش کرد که مشارکت جامعه مدنی در فرایند کیفری در قانون آیین دادرسی کیفری نیز مورد توجه بوده و از اعلام جرم تا اعتراض به احکام صادره متغیر است. هرچند از ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری به طور صریح نمی‌توان موضوع عدالت ترمیمی را برداشت نمود، لیکن به نحو ضمنی می‌توان به این نتیجه رسید که جامعه مدنی امکان تشکیل و شرکت در برنامه‌های ترمیم مدار را دارد؛ زیرا این ماده به سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آن‌ها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، اجازه داده است تا نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند.

۱۸- حلقه‌های تعیین مجازات

این حلقه که ریشه در فرهنگ بومی شمال کانادا دارد، در مورد اشخاصی تشکیل می‌شود که به بزه خویش اقرار داشته و آمادگی دارند، هر کیفری را که حلقه مجازات تعیین کرده است، داوطلبانه بپذیرند. فضای درون حلقه، توافقی و دوستانه بوده و هدف اصلی آن توجه به نیازهای بزه‌دیده و

است. در این برنامه، افزون بر حضور بزه‌کار، بزه‌دیده و پلیس آموزش دیده به عنوان تسهیل‌کننده، از میانجیگران دیگری، مانند: اعضای جامعه محلی و خانواده آنان و نهادهای جامعه مدنی استفاده می‌گردد. نشست ترمیمی، عموماً، به عنوان یکی از شیوه‌های اعمال مفاهیم و اصول عدالت ترمیمی در انجام فعالیت‌های پلیسی از جمله هشداردهی، شناخته می‌شود؛ همان‌گونه که فعالیت‌ها و تبلیغات پلیس اشاره دارد، عدالت ترمیمی از اصول شرمسارسازی برای مداخله در چرخه ارتکاب جرائم استفاده می‌کند.

مزیت اصلی این نشست‌ها این است که به جای شرمساری برجسب زننده، که در فرآیند عدالت جنایی سنتی مشهود است؛ نوعی شرمسارسازی سازنده، فعال و خودجوش وجود دارد.

در این نشست‌ها پلیس با دعوت از جامعه محلی، که عموماً از افراد مورد توافق و امین انتخاب می‌شود، و با دعوت از خانواده‌های طرفین «به عنوان تسهیل‌کننده‌ای آموزش دیده» سعی در نزدیک کردن دیدگاه‌های طرفین نموده و مسئولیت اداره جلسه را بر عهده دارد؛ برای نمونه مشارکت مأموران مجرب پلیس و بازنشستگان این تیرو برای حضور و کمک به برگزاری جلسات NA3 یا معتادان گمنام جهت کاهش آسیب‌های اعتیاد و ترک معتادان، نمونه موافقی از این حضور است. اهمیت این روش نسبت به میانجیگری در خصوص جرائمی که فاقد بزه‌دیده مستقیم است، مشخص می‌شود؛ زیرا در میانجیگری وجود بزه‌دیده مستقیم لازم است؛ ولی در جرمی که برای نمونه امنیت محله‌ای سلب شده است و بزه‌دیده مستقیم وجود ندارد، روش دوم کاربرد خواهد داشت.

تلاش می‌کند تا با شناسایی مسائل، راه حل برای آنها بیاندیشد؛ به بیان دیگر، با آینده نگری در پی آن است که زمینه ارتکاب جرم را از بین برده و به اصلاح امور بپردازد. پلیس با رویکرد ترمیمی خود می‌کوشد تا با اجرای رویه و مداخله‌های ترمیمی، علاوه بر ایجاد بستر گفت و گو در سطح جامعه، فضای مناسبی را برای برقراری عدالت فراهم نموده و همه افراد را در اجرای این عدالت سهیم کند.

استقرار عدالت واقعی تنها با اجرای عدالت مبتنی بر سزادهی ممکن نیست. عدالت ترمیمی روشی است که می‌تواند مکمل عدالت سنتی سزاده محسوب و به آن امکان تحرک، پویایی و اصلاح را اعطاء نماید؛ لذا نباید به این الگو به عنوان نمونه‌ای که الغاءگر کیفر است و یا الگویی که باعث تخریب الگوی سزادهنده است، نگریست. عدالت زمانی محقق می‌شود که در جهت اصلاح آسیب‌های ناشی از بزه، جبران و التیام آن، نیازهای مادی و معنوی بزه‌دیده شناسایی و در جهت رفع این نیازها تلاش شود.

نظام کیفری اسلام، علاوه بر شباهت و قرابتی که با نظریه‌های سزادهی و بازپروری داشته، با آموزه‌ی عدالت ترمیمی نیز نزدیک و سازگار به نظر می‌رسد.

اصلی‌ترین هدف عدالت ترمیمی در کنار هم قرار دادن بزه‌دیده، جامعه و بزهکار در جریان یک نقش آفرینی کارآمد است که در نتیجه آن به نیازهای بزه‌دیده توجه می‌شود و بزهکار نیز آگاهانه مسئولیت‌های ناشی از عمل مجرمانه خویش را می‌پذیرد و جامعه نیز از این تعامل سازنده احساس رضایت‌مندی می‌کند.

التیام بزهکار است؛ به دیگر سخن، حلقه‌های تعیین مجازات حلقه التیام بزه دیده و بزهکار است. این میان، باید این مهم را مطمئن نظر قرار داد که مأموران پلیس، وکلا، قضات، بزه دیدگان و اعضای جامعه در رسیدن به توافقی درخصوص نوع و میزان مجازات، مشارکت فعالی دارند. با این حال، توافق مذکور پس از تصویب جهت تأیید نهایی به قاضی پیشنهاد می‌شود. در این حلقه‌ها با توجه به اینکه پلیس در متن جامعه و برخورد با بزه قرار دارد و آثار مجازات و جرم را مستقیم و بدون واسطه لمس می‌کند، می‌تواند از اعضای اصلی پیشنهاد دهنده طرح محسوب شود.

افزون بر این، پلیس به عنوان تسهیل‌کننده اصلی و مجری عدالت جنایی می‌تواند نقش مهمی در تشکیل این حلقه‌ها در محله‌های مناسب داشته باشد و در صورت لزوم از افراد باتجربه در این حلقه‌ها دعوت کند. هرچند در ایران این حلقه‌ها به مرحله عملیاتی نرسیده‌اند؛ لیکن در جرائم قابل گذشت و ظرفیت‌هایی که قانونگذار برای حل و فصل غیرکیفری آنها در نظر گرفته، می‌تواند به نحو شایسته مورد استفاده قرار گیرند.

نتیجه‌گیری

امروزه پاسخگویی، ارائه خدمات مطلوب پلیسی با پیشگیری از وقوع جرم و کاهش تکرار آن، کاهش ترس از جرم و بزه-دیدگی، توجه به حقوق بزه‌دیده، بزهکار و جامعه، از جمله عواملی هستند که برای سنجش کارایی سازمان‌های پلیسی مورد توجه قرار می‌گیرند. این موارد جامعه را نیازمند حضور پلیسی خدمت رسان، پاسخگو و مشارکت پذیر کرده است. پلیسی که به جای اینکه منتظر ارتکاب جرم باشد تا در نقش ضابط دادگستری درصدد کشف آن برآید، با شیوه‌های کنشی

که درباره نهادهای اجرایی عدالت جنایی از جمله پلیس، جز از طریق تغییر راهبردهای سیاست کیفری دولتی به سیاست جنایی مشارکتی و تحول در سازمان پلیس سنتی به سوی سازمانی نوین و جامعه محور ممکن نخواهد بود.

اقداماتی که در حال حاضر در سیستم قضایی ایران در راستای آشتی بین طرفین انجام می‌شود، بیشتر برای کاستن از بار دعاوی دادگاه‌ها است که در بسیاری مواقع تلاش می‌شود که به هر صورتی طرفین مصالحه کنند، حتی اگر رضایت کامل نداشته باشند.

آنچه در حال حاضر در شورای حل اختلاف هم انجام می‌گیرد، بسیاری از اصول عدالت ترمیمی رعایت نمی‌شود. موادی که در آیین دادرسی کیفری در خصوص میانجیگری تدوین شده است را می‌توان نسبت به قوانینی که تاکنون وجود داشته‌اند، اقدامی مترقی ارزیابی کرد. بدون شک نقش پلیس در رویکرد بزه‌دیده محور و اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی بی‌بدیل است؛ زیرا پلیس نهادی است که در اکثر کشورها عموم مردم به آن اعتماد دارند و به دلیل این اعتماد در مراحل نخستین بزه‌دیدگی به آن مراجعه می‌کنند.

لزوم پاسخگویی سریع و مؤثر پلیس به پدیده مجرمانه و استفاده از برنامه‌های ترمیمی در زمان مناسب، ضمن جلوگیری از گسترش انتقام‌های شخصی، بزه‌دیدگی مجدد و دوباره، اطلاع دادرسی و مراجعه بی‌مورد افراد به نظام عدالت جنایی، باعث التیام آلام و جبران خسارات مادی و معنوی بزه دیده خواهد شد.

پلیس بر اساس مطالعات، تحقیقات و پژوهش‌های آماری، اسنادی و میدانی، تجارب، مشاهده‌ها و تجربه کارکنان خود

بدون شک نقش پلیس در رویکرد بزه‌دیده محور و اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی بی‌بدیل است؛ زیرا پلیس نهادی است که در اکثر کشورها عموم مردم به آن اعتماد دارند و به دلیل این اعتماد در مراحل نخستین بزه‌دیدگی به آن مراجعه می‌کنند. لزوم پاسخگویی سریع و مؤثر پلیس به پدیده مجرمانه و استفاده از برنامه‌های ترمیمی در زمان مناسب، ضمن جلوگیری از گسترش انتقام‌های شخصی، بزه‌دیدگی دوباره و مجدد، اطلاع دادرسی و مراجعه بی‌مورد افراد به نظام عدالت جنایی، باعث التیام آلام و جبران خسارات مادی و معنوی بزه‌دیده خواهد شد. توجه پلیس به بزه‌دیدگان خاص و بالقوه همچون سالمندان، کودکان و زنان که در معرض آسیب‌دیدگی بیش‌تر قرار دارند و انجام اقدامات پیشگیرانه و اجرای برنامه‌های ترمیمی در توسعه عدالت قضایی تأثیرگذار است.

در خصوص سازش انجام گرفته در دادسرا، واحدی به نام صلح و سازش وجود ندارد. طرفین ممکن است نزد خود مقام دادستانی سازش کنند و یا اینکه دادسرا پرونده را به کلانتری برای این امر ارجاع دهد.

در ماده‌ی یک قانون آیین دادرسی کیفری در تعریف بیان شده برای آیین دادرسی کیفری صراحتاً از میانجیگری و صلح بین طرفین نام برده شده است. در این قانون نهاد میانجیگری برای نخستین بار در قوانین کیفری ایران پیش‌بینی شده است که این اقدام را می‌توان گامی مثبت در راستای هماهنگی قوانین کیفری ایران با تحولات جهانی ارزیابی کرد. در عرصه تعمیم برنامه‌های غیررسمی قضایی از جمله برنامه‌های ترمیمی در تمام سطوح از جمله ابعاد اجرایی که متولی آن نهادهای اجرای قانون، از جمله پلیس هستیم. امری

منابع

- ابراهیمی، شهرام، ۱۳۹۰، جرم شناسی پیشگیری، جلد اول، نشر میزان.
- ابوالحمد، عبدالحمید، ۱۳۷۰، مبانی سیاست، انتشارات توس، چاپ ششم.
- ایران‌شاهی، حمید، ۱۳۹۰، پیشگیری از وقوع جرم و نقش سازمان های مسئول در قوانین ایران، انتشارات جنگل.
- بیات، بهرام، ۱۳۸۷، پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع محور، معاونت اجتماعی نیروی انتظامی.
- بکاریا، سزار، ۱۳۷۴، رساله جرائم و مجازات ها، ترجمه دکتر محمدعلی اردبیلی، دانشگاه شهید بهشتی.
- پلیس فتای استان اصفهان، ۱۳۹۱، کتابچه، معرفی پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات (فتا)
- پلیس فتای استان اصفهان، ۱۳۹۱، کتابچه، راهنمای ده گامی پلیس فتا برای تأمین امنیت آنلاین خانواده
- پلیس فتای استان اصفهان، ۱۳۹۱، کتابچه، جرائم رایانه ای و مصادیق جرائم رایانه ای در ایران
- پیکا، ژرژ، ۱۳۸۶، جرم شناسی کاربردی، ترجمه: علی حسین نجفی ابرند آبادی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- پیکا، ژرژ، ۱۳۷۰، ترجمه دکتر نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- پیکا، ژرژ، ۱۳۹۰، جرم شناسی، ترجمه، علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، چاپ دوم.
- جلالی فراهانی، امیرحسین، ۱۳۸۹، کنوانسیون جرائم سایبروپروتکل الحاقی آن، انتشارات خرسندی.
- جینادی، آنجلیز، ۱۳۸۳، جرائم سایبر، ترجمه سعیدحافظی و عبدالصمد خرم آبادی، چاپ اول دبیرخانه شورای عالی اطلاع رسانی.
- خوئی، ابولقاسم، ۱۳۷۱، تکریم المنهاج، نجف، مطبعة الاداب، بی تا.
- ری شهری، محمد، ۱۳۶۲، میزان الحکمه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، جلد ۱۱.
- زند، محمدرضا، ۱۳۸۹، تحقیقات مقدماتی در جرائم سایبری، انتشارات جنگل.

به این باور رسیده که دستگیر کردن مجرمان و اعزام آنان به دادگاه و اعمال تنبیه و مجازات، اگرچه مؤثر است، اما راهکار مناسب و حل کننده مشکل نیست؛ بلکه برای برقراری نظم و امنیت در شرایط امروز جامعه ی ما، روشی کاملاً متفاوت با گذشته را باید در پیش گرفت. در نهایت، یافته‌های مقاله حاکی از آن است که در این رویکرد، نهاد پلیس علاوه بر بهره‌گیری از ابزارهای تعریف شده در نظام عدالت جنایی از همکاری و مشارکت نهادهای اجتماعی و دولتی برای کنترل عوامل موجب جرم استفاده می‌کند و در تلاش است تا با تغییر در ساختارهای سازمانی و روش‌های اجرایی خود، از مشارکت حداکثری اجتماع در کنترل جرم بهره ببرد. بر این اساس اهتمام پلیس بر این پایه استوار گردیده که به اشکال گوناگون، اعتماد شهروندان را نسبت به عملکرد خود جلب و با نشان دادن کارآمدی خود مشارکت مردم را در فعالیتهای مربوط به حوزه نظم و امنیت عمومی افزایش دهد. کاهش بوروکراسی اداری، ایجاد پلیس‌های تخصصی و تکریم ارباب رجوع از جمله راهبردهایی است که می‌تواند در راستای ارتقای مشارکت عمومی در پیشگیری از جرم تأثیرگذار باشد.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.

از آقای دکتر عبدالله عزیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.

از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

سرهنک خسروی، ستار، ۱۳۹۱، پاورپوینت، شبکه های اجتماعی مجازی، پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات استان اصفهان

عاملی، سیدسعیدرضا، ۱۳۹۰، رویکرد قضایی به آسیب ها، جرائم و قوانین و سیاست های فضای مجازی، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.

گسن، ریموند، ۱۳۷۰، جرم شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی نیا.

لارز، کریستن، ۱۳۷۵، سیاست جنایی، ترجمه دکتر نجفی ابرند آبادی، نشر یلدا.

مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دارالحیا التراث ۱۴۰، ه.ق - ج ۲۱.

مظلومان، رضا، جامعه شناسی کیفری، ۲۵۳۵، دانشگاه تهران. ۱۳۷۴

معین، محمد، ۱۳۶۰، فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر.

موسوی الخمینی، سید مصطفی، ۱۴۱۸، مستند تحریر الوسیله، موسسه تنظیم آثار امام خمینی.

